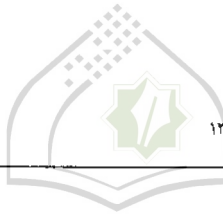


اصول حاکم بر کار اقتصادی زنان از دید اسلامی



تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۶/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۷/۲۰

مجید رضایی*

چکیده

بررسی اشتغال زنان از مسایل عصر جدید است. کوچک شدن خانواده، افزایش سطح دانش، بهبود وضع بهداشت و گسترش بحث‌های آزادی، زمینه‌ساز این امر بوده است. مقاله ضمن مروری بر دیدگاه‌های گوناگون، از دید دینی به آن پرداخته، و با بررسی وضعیت کار اقتصادی در میان بانوان صدر اسلام به صورت خاص به مدیریت اقتصادی حضرت خدیجه و فاطمه زهرا علیها السلام پرداخته و احکام فقهی مرتبط با کار زنان را متذکر شده و با توجه به اهمیت علم‌آموزی، رشد معنوی و اجتماعی زنان و نیاز به کار اقتصادی، وظیفه‌های دولت اسلامی را آورده است و با توجه به لزوم توجه جدی به حفظ بنیان خانواده، اصل‌های حاکم بر کار اقتصادی زنان را از دید دینی مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، کار اقتصادی زنان در اقتصاد اسلامی، اقتصاد صدر اسلام، دولت اسلامی، اقتصاد خانواده.

طبقه‌بندی JEL: J81

* عضو هیأت علمی دانشگاه مفید.

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۲۵۷۶۲

Email: rezai@mofidu.ac.ir

مقدمه

کار، پدیده دائمی زندگی بشری است و بدون آن زندگی انسان بر کره خاکی غیرممکن است. با تشکیل نهاد خانواده و پدید آوردن مجموعه انسانی متشکل از پدر، مادر، فرزندان پسر و دختر و گسترش این نهاد و تشکیل خانواده بزرگتر به نام‌های عشیره، قبیله، ایل و ... به تدریج به نوعی، تقسیم کار در میان آنان پدید آمد. مهمترین مسأله‌ای که بر این امر اثر می‌گذاشت وضعیت طبیعی و بدنی مرد و زن بود. زن با امرهایی همچون بارداری و شیردادن به فرزند و نگهداری از وی تناسب کامل داشت و از سویی از نظر قدرت بدنی تا حدی ضعیف‌تر از مرد بود. از همین رو تحت مدیریت مرد، کارهای خانه و خارج از خانه مثل کار در زمین کشاورزی، انجام امور مربوط به دام را انجام می‌داد. در طول تاریخ جز در موردهای نادر، پدرسالاری حاکمیت کامل داشته و فقط در تعداد محدودی از قبیله‌های ساکن در دریای مدیترانه مادرسالاری برقرار بوده است. تا پیش از رشد ویژه جمعیت دنیا، مسأله کارکردن زن به صورت مستقل و در بیرون از خانه و وقت‌های فراغت وی چندان مطرح نبود، زیرا کارهای مربوط به خانه و فرزندان به گونه‌ای وقت وی را پر می‌کرد که به طور عملی وقتی برای آن‌ها وجود نداشت. تا زمانی که اقتصاد معیشتی و کشاورزی برقرار بود بخشی از کارهای اقتصادی به وسیله زنان صورت می‌گرفت. حتی امروزه هم در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در روستاها و عشایر، زنان نقش مهمی دارند و در فعالیت‌های تولیدی مثل قالی‌بافی، حصیربافی، ریسندگی و مانند آن سهم بسیار فراوانی دارند. ورود به نظام صنعتی و مدرن و پیشرفت علم و تکنولوژی در زمینه‌های گوناگون از جمله پزشکی باعث شد میانگین عمر انسان و جمعیت افزایش یابد و بحث کنترل جمعیت به صورت جدی مطرح شود. گسترش بحث‌های آزادی سیاسی و اجتماعی زمینه حضور زنان را در فعالیت‌های اجتماعی فراهم کرد و گسترش صنعت، اقتصاد را از روستاها به شهرها کشاند و جمعیت انبوه در شهرها ساکن شد. کار در محیط شهری از کار روستایی متفاوت بود. کارخانه‌ها محل کار بودند. در نظام سرمایه‌داری صنعتی به علت فراوانی نیروی کار دستمزد اندکی به کارگران پرداخت می‌شد که جوابگوی هزینه خانواده را نمی‌کرد و گاه به ناچار فرزند و همسر هم در کنار پدر به کار می‌پرداختند. اگر برای اقتصاد مشکل‌هایی رخ می‌داد و رکود حاکم می‌شد زنان در جایگاه نیروی درجه دو، پیش از

مردان بی‌کار می‌شدند. فشار بر جامعه کارگری زنان باعث شد مبارزه‌های سیاسی و اجتماعی آنان در قرن ۱۹ گسترش یابد و در اروپا و امریکا جنبش‌های سوسیالیستی، اتحادیه‌های کارگری را قویتر سازد. درخواست‌های رفاهی زنان در مورد لزوم مهد کودک در کارخانه‌ها، مرخصی برای ایام بارداری و شیرخوارگی فرزندان و مانند آن تا حدی به نتیجه رسید. وقوع جنگ‌های بین‌المللی اول و دوم، جایگاه زنان در راه‌اندازی مرکزهای اقتصادی را جلوه‌گر کرد و به تدریج زمینه داشتن حقوق مساوی با مردان را به دست آوردند. ولی تبعیض علیه زنان در محیط‌های اقتصادی از سوی کارفرما و رقیبان مرد آنان وجود داشته و دارد. دستمزد کمتر، بی‌توجهی به وضعیت زنان برای تربیت فرزند و استفاده جنسی از آنان و اجبار در اخفای آن، از موردهایی بوده که سال‌ها در محیط‌های کارگری اروپا و امریکا سایه افکنده بود. در اوایل قرن ۲۰ پس از جنگ بین‌المللی اول، اصل تساوی مزد به تصویب رسید. گرچه میلیون‌ها نفر از زنان در هنگام جنگ بین‌المللی دوم جای مردان را گرفتند و حتی در کارخانه‌های اسلحه‌سازی مشغول به کار شدند، ولی با بازگشت مردان از جبهه جنگ باید محیط‌های کاری برای آنان خالی می‌شد. به تدریج قانون‌ها و مقرراتی به نفع کار زنان در سازمان‌های بین‌المللی به تصویب رسید و کوشش شد امتیازهای کار زنان و مردان یکسان شود و از اخراج به علت ازدواج و بارداری جلوگیری به عمل آید. این امرها به صورت لازمه جامعه توسعه‌یافته تلقی شده و امروزه بخشی از معیارهای توسعه‌یافتگی درباره حقوق زنان در زمینه آموزش، اشتغال، بهداشت، ازدواج و خانواده، حقوق زنان روستایی است (ر.ک: علویون، ۱۳۸۱: ص ۷۱ - ۷۶).

آنچه در جامعه‌های اروپایی و امریکایی رخ داده گرچه متفاوت از جامعه‌های اسلامی است ولی می‌تواند شباهت‌هایی داشته باشد. لزوم کنترل جمعیت باعث شده تا خانواده‌های کوچک پدید آمده و از طرفی به علت افزایش هزینه زندگی، درآمد مردان برای اداره خانه کافی نبوده و وقت‌های فراغت فراوان زنان نیز باید به صورت مناسبی پر شود. از سوی دیگر، گاه جامعه ظرفیت به‌کارگیری زنان در عرصه تولید را دارد، و افزایش رشد و رونق اقتصادی نیازمند حضور زنان در عرصه‌های تولیدی است. عامل‌های پیش‌گفته اقتضا دارد بحث اشتغال زنان به صورت مستقل مدنظر قرار گیرد، و با کاوش در متن‌های دینی، موضع دین در این‌باره معلوم شود. مقاله پس از مقدمه، بخش‌های اشتغال زنان در نظریه‌های

اقتصادی، اشتغال زنان در نظام اقتصادی صدر اسلام، اشتغال زنان از نظر فقهی، علم‌آموزی و اشتغال، اشتغال زن و وظیفه‌های دولت اسلامی را مطرح می‌کند و سپس اصل‌های حاکم بر اشتغال زنان را به صورت نتیجه‌گیری بحث‌های پیش استخراج می‌کند.

آنچه مقاله در صدد اثبات آن است اصل‌های حاکم بر کار اقتصادی زنان است. کار اقتصادی زنان در صدر اسلام در خانه و خارج از آن وجود داشته و تحت تعلیم‌های دینی زنان از مالکیت، ثروت، مدیریت و استقلال برخوردار بودند؛ ولی کار در خارج خانه نباید نهاد خانواده و محیط رشد فرزندان و حقوق همسری را تحت الشعاع قرار دهد. وظیفه هر فرد در خانه باید با هماهنگی افراد خانواده و در چارچوب حقوق اسلامی تعیین شود.

اشتغال زنان در نظریه‌های اقتصادی

نظریه‌های اقتصادی مهمی که در تاریخ اقتصاد مطرح شده‌اند، نگاه ویژه جنسیتی نداشته‌اند. آنچه به طور عموم مطرح می‌شود این است که دستمزد نیروی کار براساس بهره‌وری و بازدهی نهایی وی است. نیروی کار و سرمایه، باعث تولید کالا و خدمات می‌شوند. کارفرما و تولیدکننده، متقاضی نیروی کار، و فرد توانا، عرضه‌کننده کار است. عرضه و تقاضای نیروی کار سطح دستمزد را تعیین می‌کند. متقاضی نیروی کار به بازدهی نهایی وی توجه می‌کند و عرضه‌کننده نیروی کار براساس وضعیت شخصی و نیاز به درآمد و جایگاه فراغت در نظام تصمیم‌گیری (طبیعی بودن، ضرور بودن، نوکس بودن یا پست بودن آن) انتخاب‌های خود را مشخص می‌کند. وضعیت حاکم بر بازار از نظر کثرت نیروی کار، توانایی آن، مقررات حاکم بر بازار کار، نظارت دولت، امکان جایگزینی و جانشینی سرمایه و نیروی کار، وجود همکاری بین کارفرما و نیروی کار، وضع ثروت و دارایی افراد، مسایل و جهت‌های دیگر بر سطح دستمزد شکل گرفته مؤثر است. در مجموعه کتاب‌های اقتصادی پایه‌ای، بحثی از این‌که نیروی کار، مرد یا زن، مجرد یا متأهل، جوان یا میان‌سال است، نمی‌شود.

در بازار رقابتی و در غیر آن، این امر مطرح نیست. آنچه مهم و اساسی است وضعیت افراد از نظر توانایی و بهره‌وری و دانش درباره کار است. بدیهی است در جامعه‌های که نظام خانواده از استحکام برخوردار است و به طور معمول وظیفه‌های افراد در خانواده معین

می‌شود و به نوعی تقسیم کار میان اعضای خانواده به صورت طبیعی یا سنتی و ... وجود دارد، بازار کار خارج از خانه از آن متأثر است. به طور معمول در چنین نظام‌هایی کار بیرون به عهده مردان و جوانان است و زنان و دختران در داخل خانه و مزرعه یا در کارگاه‌های خانوادگی شاغل هستند. برعکس در کشورهایی که خانواده وضعیت اصیل خود را از دست داده یا وضعیت درآمدی خانواده به گونه‌ای است که همه افراد توانا باید به کار اشتغال داشته باشند و کار در محیط خارج از خانواده و کارگاه خانوادگی با فرهنگ آن جامعه تضاد ندارد، زنان نیز همچون مردان، کار خارج از خانه را انجام می‌دهند. البته کارفرما بر اساس توانایی‌های هر یک از زن و مرد به آنان کار می‌سپارد و آنان با توجه به سال‌های بقا در محیط کار ارتقای شغلی می‌یابند و به علت وضعیت بارداری و عدم تناسب برخی کارها با زنان مثل مأموریت خارج از محل اقامت و کار در ساعات‌های شب، کارفرمایان به نفع خود می‌دانند که از استخدام زنان خودداری کنند. در مقابل در برخی کارها که تناسب بیشتری با روحیه‌ها و خلیقات زنان دارد و آنان از بهره‌وری بیشتر در آن زمینه برخوردارند مثل پزشکی و پرستاری، آموزگاری، خیاطی، کارهای هنری، کارهای ظریف مثل الکترونیک و امور تربیتی کارفرمایان تمایل دارند که از نیروی زنان استفاده کنند. البته در وضعیت برابر، این امرها مورد توجه است ولی اگر قرار باشد مرخصی زنان بیشتر و ساعات‌های کار آنان به علت شیردادن به بچه کمتر، و مزد یکسان باشد کارفرما بی‌ربط می‌شود.

از سوی دیگر، روحیه زنان و مردان در پذیرش مدیریت و تحمل سختی‌ها و پدیدآوردن آرامش محیط کار فرق دارد. هر یک از عامل‌های پیش‌گفته که در بهره‌وری اثر مثبت داشته باشد کارفرما را متمایل به استخدام افرادی می‌کند که آن ویژگی در میان آنان به فراوانی یافت می‌شود. به طور کلی، آنچه در نظریه اقتصادی اهمیت دارد وضعیت بهره‌وری نیروی کار است و مسأله جنس نیروی کار اهمیت ندارد، زیرا هدف حداکثر کردن سود است. بهره‌وری نیز متأثر از عامل‌های گوناگون مثل آموزش و تجربه شغلی است.

به تدریج که ساعت‌های کار زنان در خانه کاسته شد و رشد جمعیت کاهش یافت و با توجه به دیگر عامل‌هایی که در مقدمه به آن اشاره شد، زنان در بازار کار حضور جدی‌تری پیدا کردند و قانون‌ها و مقررات هم از حضور آنان حمایت به عمل آورد. مشکل‌های بازار کار و گسترش بیکاری با حضور زنان شدت پیدا کرد و اقتصاددانان برای رفع آن کوشیدند.

تحقیق‌های فراوانی صورت گرفت تا عامل‌های مؤثر بر عرضه نیروی کار زنان را روشن کند. ادبیات جدید اقتصاد خانوار نیز بر مطالعه‌های تجربی اثر فراوانی داشت. در این مطالعه‌ها، با استفاده از داده‌های خرد و کلان، عامل‌های مؤثر بر کار زنان آزمون می‌شود. برای آگاهی از مطالعه‌های پیش‌گفته، نتیجه برخی از این مطالعه‌های تجربی را متذکر می‌شویم.

۱. کگان در ۱۹۸۱ فرم خلاصه شده ذیل را برای تخمین عرضه نیروی کار زنان ارائه کرد:
 $F = 2158/69/9 + 1210 (N) W - 91/54E - 120/41 C + 22/425 y_H + 0/468 A$

که در آن F تابع عرضه نیروی کار زنان، $N(w)$ دستمزد کار زنان بر حسب ساعت، E میزان تحصیلات، C تعداد کودکان زیر ۶ سال، y_H درآمد شوهر و A سن زن است (Cogan - 1981).
 ۲. اسمیت در سال ۱۹۹۵ با استفاده از داده‌های مقطعی، عرضه نیروی کار زنان را بر رابطه ذیل تخمین زد:

$$H_{it} = b_0 + b_1 n w_{it} + b_2 h_{it} sp + b_3 m_{it} + b_4 z_{it} + G_{it}$$

که H_{it} ساعت‌های کار ارائه‌شده، w_{it} نرخ دستمزد خالص از مالیات، hsp عرضه نیروی کار همسر، m درآمد واقعی خالص از مالیات و z دیگر متغیرهای جمعیتی است. براساس ضریب‌های برآوردشده، میزان حساسیت زنان در مقابل دستمزدهای خالص نسبت به مردان خیلی متفاوت نیست. ضریب‌های متغیر میزان ساعت‌های کار همسر معنادار و مثبت است. یعنی نمی‌توان گفت که ساعت‌های کار غیربازاری زن و مرد جانشین ناخالص یکدیگر هستند. اثر درآمدی برای مردان معنادار و منفی است ولی برای زنان معنادار نیست (smith, 1995) به نقل از طائی، ۱۳۸۵: ص ۱۰۱).

۳. مطالعه‌های لیویتز و کلرمن در سال ۱۹۹۵ درباره اشتغال مادران امریکایی دارای فرزند پیش دبستانی، متغیرهای جمعیتی و اقتصادی و حاصل ضرب این متغیرها با زمان را در مدل آورده‌اند.

تحقیق بر روی ۵۵۰۰ خانوار، شامل مادران ازدواج کرده دارای فرزند زیر سه سال در سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۹۰ است که سه سری متغیر مستقل (جمعیتی، اقتصادی و روند زمانی) در نظر گرفته شده است. مدل بدون روند زمانی نشان می‌دهد که افزایش فرزندان احتمال اشتغال زن را کم می‌کند. سن کوچکترین فرزند اثر مثبت دارد. با افزایش سطح تحصیلات،

احتمال اشتغال بالا می‌رود. افزایش درآمد مردان و افزایش نرخ بیکاری، احتمال اشتغال زنان را کاهش؛ و فرصت درآمدی بالاتر زنان، احتمال اشتغال مادران یا مردان‌ها را افزایش می‌دهد. در مدل دوم که متغیر زمان و تأثیر متقابل آن با دیگر متغیرها هم اضافه می‌شود، معلوم می‌شود که احتمال اشتغال مادران دارای فرزند تا سه ماهه در طول زمان افزایش می‌یابد، اثر افزایش تحصیلات و احتمال اشتغال، مثبت است. احتمال اشتغال مادران مسن‌تر نیز طی زمان افزایش می‌یابد و در طول زمان اثر مثبت درآمد زنان بر اشتغال آنان افزایش و اثر منفی درآمد مردان بر آن کاهش می‌یابد (ر.ک: نوروزی، ۱۳۸۰: ص ۲۰-۳۰).

۴. نوروزی با استفاده از مدل پروبیت و با روش حداکثر راستنمایی (MLE) شرکت زن در بازار کار را تابع عامل‌های گوناگونی (فردی، خانوادگی و محیطی) در نظر گرفته و با استفاده از آمارهای خانوار از سال ۱۳۷۰ - ۱۳۷۷ مربوط به ۸۷۷۳۵ خانوار ایرانی چند مدل را برآورد کرده و نتیجه‌های ذیل را به دست آورده است.

احتمال مشارکت زنان در بازار کار متأثر از ساختار سنی آنان است و رابطه سن و احتمال اشتغال به صورت منحنی درجه دوم است یعنی احتمال مشارکت زنان ۴۹- ۳۰ ساله در بالاترین میزان قرار دارد. وضعیت زناشویی نیز مؤثر است. احتمال مشارکت زنان مطلقه، هرگز ازدواج نکرده و بیوه بیشتر از زنان متأهل است. افزایش درآمد واقعی دیگر اعضای خانوار، تأثیر منفی بر احتمال مشارکت زن در بازار کار دارد. با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان از متوسط به بالا، احتمال مشارکت آنان در بازار کار افزایش می‌یابد. البته در حال تحصیل بودن از احتمال مشارکت زنان در بازار کار می‌کاهد. افزایش نرخ بیکاری محلی باعث کاهش مشارکت می‌شود. افزایش تعداد فرزندان، احتمال مشارکت را کم می‌کند. اگر تخمین، ویژه زنان ازدواج کرده یا زنان دارای تحصیلات آموزش عالی شود در برخی متغیرها تفاوت‌هایی یافت می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۰: فصل ششم).

۵. طائی براساس داده‌های آمار سری خصوصیت‌های اجتماعی و اقتصادی خانوار سال‌های ۱۳۷۱ - ۱۳۷۴ درباره ۹۰۰۰ شهری و ۷۴۰۰ روستایی از الگوی مشابه‌ای برای عرضه نیروی کار زنان و مردان استفاده کرده است. الگوی مربوط به زنان چنین است:

$$YHF = F(LIF, NLIF, DGF, EXF, NH)$$

YHF ساعت‌های کاری ارائه‌شده زنان به بازار کار (عرضه نیروی کار) که از

حاصلضرب متوسط تعداد ساعت کار در روز و متوسط تعداد روزهای کار در هفته، و تعداد هفته‌های کاری در سال به دست می‌آید. LIF درآمد کاری سالانه زنان در بازار کار، NLIF درآمد غیرکاری سالانه زنان در بازار کار، DGF سطح تحصیلات زنان، EXF تجربه‌های کاری زنان و NH بُعد خانوار است. تمام متغیرها به صورت لگاریتمی و داده‌های مقطعی در طول چهار سال ترکیب شده‌اند. الگوی ارائه شده به صورت ذیل است:

$$Y_{it} = a_i + BX_{it} + G_{it}$$

به علت ناهمسانی واریانس بین خانواده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. عرضه نیروی کار زنان شهری جدا از روستایی تخمین زده شد. مهمترین متغیر اثرگذار بر عرضه نیروی کار زنان شهری درآمدهای کاری است و بقیه متغیرها برعکس تابع عرضه مردان، به رغم معناداری و صحت علامت، اثر چندانی ندارد. با افزایش سطح تحصیلات تمایل به تخصیص زمان بیشتر به کارهای بازاری افزایش می‌یابد. تمام ضریب‌ها جز ضریب بُعد خانوار که وضعیت روشنی ندارد معنادار هستند.

$$YHF = 0/11 + 0/42 LIF - 0/03 NLIF + 0/24 DGF - 0/04 EXF - 0/01 NH$$

در مورد زنان روستایی نتیجه به صورت ذیل است:

$$YHF = 0/07 + 0/37 LIF + 0/03 NLIF + 0/29 DGF + 0/18 EXF + 0/3 NH$$

البته ضریب درآمد غیرکاری معنادار نیست (طائی، ۱۳۸۵).

۶. صادقی و عمادزاده با استفاده از سری‌های زمانی دوره ۸۰ - ۱۳۴۵ الگوی خود را

براساس رابطه ذیل را تخمین زدند:

$$LFSH = a_0 + a_1 LTV + a_2 SEC + a_3 LGNP + a_4 LLT + a_5 LNGP + U$$

LFSH لگاریتم سهم زنان در نیروی کار شاغل، LTV لگاریتم میزان مولید، SEC درصد دختران ثبت نام کرده در مدارس آموزش متوسطه عمومی از کل ثبت نام‌ها، LGNP لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، LLT لگاریتم سهم زنان شاغل دارای آموزش عالی در نیروی کار زنان، LNGP لگاریتم نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، U عامل‌های موثر که در الگو گنجانده نشده است. نتیجه الگو پس از رفع خود همبستگی به صورت ذیل در آمد:

$$LFSH = 7/34 - 0/23 LTV - 0/04 SEC + 0/31 LGNP + 0/33 LLT + 0/18 LNGP$$

نتیجه نشان می‌دهد بین میزان مولید و اشتغال زنان رابطه منفی، و بین درصد دختران ثبت‌نام شده در دوره متوسطه عمومی از کل ثبت‌نام و میزان اشتغال رابطه منفی است. افزایش تولید ناخالص داخلی اثر مثبتی در اشتغال نیروی کار زنان دارد. رابطه تحصیلات عالی با اشتغال مثبت است و با افزایش تحصیلات، فرصت‌های شغلی مناسب‌تری پیدا می‌شود. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالصی داخلی هم باعث افزایش اشتغال می‌شود (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۳).

۷. افشاری با بررسی اشتغال زنان و رفاه خانواده در چارچوب اقتصاد خانواده و بهره‌گیری از مدل‌های جدید اقتصاد خانواده (خانواده برای رسیدن به هدف‌های خود دو نوع کار باید انجام دهد کار خانگی (تولید فرزند، مراقبت از وی و ...) و کار بازاری) نشان می‌دهد عرضه نیروی کار زنان وابسته به چگونگی تقسیم کار در خانواده بین کار خانگی و کار بازاری است. میزان ساعت کار بازاری زن با توجه به نوع تقسیم کار خانگی، سن زن، سن فرزندان، درآمد همسر و ثروت خانواده متفاوت است و نمی‌توان برای تمام خانواده‌ها و در تمام دوران زندگی، الگوی واحد ترسیم کرد. اثر اشتغال زنان بر رفاه خانواده در طول زندگی در حال تغییر است و کمترین اثر آن در دوران بارداری است. هر چه خانواده فقیرتر باشد اثر اشتغال بر رفاه امکان‌پذیر است، در این صورت تقسیم کار مشارکتی می‌تواند رفاه خانواده را به شدت افزایش دهد (افشاری، ۱۳۸۲)*.

از مطالعه‌های انجام‌شده معلوم می‌شود عامل‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بر فعالیت زنان در خارج از خانه موثر است. بدیهی است تفاوت‌های فرهنگی جامعه‌ها می‌تواند باعث نتیجه‌های متفاوت شود. جایگاه خانواده، تعهدهای طرفین، کیفیت تقسیم وظیفه‌ها و نظام تربیتی حاکم بر خانواده‌ها از عامل‌های موثر است.

* برای اطلاع از دیگر مطالعه‌ها در این زمینه وک: نوروزی، ۱۳۸۰؛ ص ۲۰-۴۰؛ ایروانی، ۱۳۸۴؛ ص ۵۴؛ صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۳؛ ص ۷ و ۸؛ امینی، ۱۳۷۸؛ شیبانی و افشاری، ۱۳۸۰؛ میرزایی، ۱۳۸۳؛ علمی، ۱۳۸۳؛ فرجی‌دانا و طایی، ۱۳۷۹.

اشتغال زنان در نظام اقتصادی صدر اسلام

وضعیت نظام اقتصادی منطقه حجاز پیش از اسلام برخوردار از نظام معیشتی و کشاورزی ساده و به‌علت وضعیت خاص شهر مکه برخوردار از منفعت‌های تجارت بود. پیش از ظهور اسلام، مکه پایگاه تجارتنی خاصی بود به‌ویژه در ایام حج بازارهای مهمی در آن برقرار می‌شد. در محیط مکه گرچه به زنان به دیده تحقیر نگریسته می‌شد و گاه در میان برخی افراد و قبیله‌ها، زنده به‌گور کردن دختران رواج داشت؛ اما زنان توانمندی نیز در صحنه اجتماع حضور داشتند و در بازار و تجارت فعالیت می‌کردند. دامداری در منطقه مکه رواج داشت و طبق قاعده زنان نیز در این امر کمک می‌کردند. همان‌طور که خداوند متعال در سوره قصص آیه‌های ۲۳ تا ۲۶ از دختران شعیب پیامبر یاد می‌کند که گوسفندان را برای آب‌دادن به سر آب مدین بردند و موسای پیامبر گوسفندان را آب داد. به‌طور معمول وضعیت اقتصاد معیشتی و ساده به‌علت مشکل‌ها و سختی کار اقتصادی، همه افراد خانه را درگیر کار می‌کند. تأمین نیازهای عادی خانه محتاج کار است. تهیه آب و سوخت و ... برای مصرف روزانه کار طلب می‌کرد و هیچ‌یک از افراد خانه نمی‌توانست از کار به دور باشد. به‌طور معمول نظام خانواده و قبیله کار فرد را تعریف می‌کرد؛ به‌ویژه در مکه و حجاز که نظام قبیلگی قدرتمندی حاکم بود. البته از زمانی که راه تجاری مکه به یمن و روم باز شد امکان کسب ثروت از این راه برای اهل مکه فراهم شد و گرنه پیش از آن درآمد مردم محدود بود. خداوند متعال نیز در سوره قریش، نعمت کاروان تجاری قریش را که در تابستان و زمستان به یمن و روم سفر می‌کرد و باعث امنیت، ثروت و رفاه شد گوشزد کرده و مردم را به شکرگزاری دعوت می‌کند. با ظهور سفر تجارت، ثروتمندها اموال خود را در اختیار افراد امین و توانا قرار می‌دادند یا خود به سفر می‌رفتند و در خرید و فروش اجناس و مبادله کالاهای ایرانی، هندی و رومی شرکت می‌کردند. در میان ثروتمندان مکه تعدادی از زنان نیز وجود داشتند. خدیجه رضی الله عنها را از میان آنان متذکر می‌شویم، سپس در مورد مدیریت اقتصادی دختر مکرّم وی نکته‌های را متذکر شده و اشاره‌ای به فعالیت اقتصادی زنان در صدر اسلام خواهیم پرداخت.

خدیجه دختر خویلد که از ثروت و جاهت برخوردار بود، مدیریت اقتصادی تجارت را به عهده داشت و عامل‌های متعددی را به‌کار می‌گرفت. ثروت فراوان وی ناشی از

کامیابی در تجارت بود. گاه با عامل‌های اقتصادی شریک می‌شد و سود را تقسیم می‌کرد و گاه به افراد برای تجارت دستمزد می‌داد و تمام سود را به ملکیت خود در می‌آورد. افراد فراوانی تمایل داشتند که با ثروت فراوانش به تجارت پردازند. در ایام جوانی پیامبر اسلام ﷺ که ویژگی‌های اخلاقی و دانایی وی بر سر زبان‌ها افتاده بود، و در صدد انجام کار و کمک به ابوطالب و به دنبال کار مناسب می‌گشت، و خدیجه نیز تمایل داشت با وی بیشتر آشنا شود، حاضر شد وی را در جایگاه کارگزار خود برای تجارت به شام بفرستد و ضمن آشنایی بیشتر با اخلاق و توانایی‌اش زمینه ارتباط خانوادگی را فراهم سازد. موفقیت‌آمیز پیامبر در تجارت و بیان خصوصیت‌های اخلاقی و امانت‌داری حضرت از طرف برخی همراهان، مقدمه‌های ازدواج پیامبر و خدیجه را فراهم کرد (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۶، ص ۹؛ ج ۱۷، ص ۳۰۸).

ثروت خدیجه در خدمت پیامبر ﷺ و راه دین قرار گرفت ولی در تاریخ شاهی نیست که پس از ازدواج، همسر پیامبر، از کار اقتصادی باز داشته شود و تمام مسؤولیت‌ها به پیامبر ﷺ واگذار شده و پیامبر اجازه کار به وی نداده باشد. گرچه پس از مبعوث شدن پیامبر، وضعیت تغییر کرد و کینه‌جویی درباره خانواده پیامبر گسترده شد ولی خدیجه همچنان در جایگاه زن توانا و ثروتمند مطرح بود. در بُعد ایمان و فداکاری ضرب‌المثل شد و سختی‌های فراوانی را در محاصره شعب ابی‌طالب متحمل شد تا آن‌گاه که از شدت مصیبت‌ها رحلت کرد و در کنار آن در بُعد کار و کوشش اقتصادی و کسب ثروت و روزی حلال نیز زبان زد شد.

دختر وی، فاطمه زهرا علیها السلام نیز در این زمینه سرمشق و الگو است. گرچه برعکس مادر از ابتدا کار اقتصادی نداشت و در مدینه در کنار پدر و در خانه شوهر به خانه‌داری مشغول بود (البته در کنار امرهای مربوط به دوران مبارزه، هجرت، کمک به پیامبر در مرحله‌های سخت و ...) ولی پس از آن‌که اموالی از غنیمت‌ها و هدیه‌ها در اختیار پیامبر ﷺ قرار گرفت، پیامبر فدک را به دختر خود بخشید و حضرت فاطمه افرادی را برای رسیدگی به باغ فدک و کار در آن و جمع‌آوری محصول گماشت. این امر تا زمان رحلت پیامبر ادامه داشت تا آن‌که دستگاه خلافت، فدک را غصب و عامل‌های حضرت را از آن خارج کردند. در کتاب *اختصاص و علل الشرایع* آمده که پس از استقرار خلافت ابوبکر، وی نماینده و

وکیل حضرت فاطمه را از فدک خارج کرد (همان: ج ۲۹، ص ۱۲۴ و ۱۸۹). در برخی روایت‌ها، آمده که پیامبر فدک را جایگزین مهریه حضرت خدیجه که بر عهده وی بود به دخترش داد تا برای وی و فرزندان‌ش بماند (همان: ص ۱۱۵ و ۱۱۸).

از این که افراد مسؤول باغ فدک، وکیل و نماینده حضرت صدیقه شمرده شده‌اند معلوم می‌شود حضرت به‌طور مستقیم افراد را به کار می‌گمارده و مدیریت باغ را در اختیار داشته و حتی کار آن را به شوهر مکرم خود نداده است و گرنه گفته می‌شد «وکیل علی» نه «وکیل فاطمه».

افزون بر فدک تعدادی از باغ‌های مدینه برای پیامبر وقف شده بود. مخیریق که از عالمان یهودی بنی‌النضیر بود در هنگام جنگ اُحد- براساس پیمان بسته‌شده با پیامبر در مورد حمایت از پیامبر در هنگام جنگ- برخلاف دیگران در جنگ شرکت کرد و کشته شد و هنگام خروج وصیت کرد: اگر کشته شدم اموال من برای محمد است و هرگونه که خواست خدا است آن را صرف کند و این اموال به‌طور کامل صدقه پیامبر ﷺ است (همان: ج ۲۰، ص ۱۳۰). طبق نقل بلاذری در فتوح البلدان اموال پیش‌گفته هفت باغ است که پیامبر آن را صدقه قرار داد. نام آن‌ها عبارتند از: المیثب، الصافیة، الدلال، حسنی، برقة، الأعوف، مشربة ام ابراهیم بن رسول الله ﷺ (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ص ۳۱).

باغ‌های پیش‌گفته را (که به نام الحیطان السبعة یا الحوائط السبعة است) پیامبر وقف کرد و پس از رحلت وی در اختیار صدیقه طاهره قرار گرفت. در برخی روایت‌ها آمده که این باغ‌ها وقف بر فاطمه شده است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۷، ص ۴۷). ممکن است منظور این باشد که چون باغ‌ها در تملک پیامبر بوده، حضرت ثمره باغ را وقف کرده و تولیت آن را پس از خود به دخترش سپرده و این با ظاهر برخی از حدیث‌ها سازگار است.

از امام ابوالحسن الثانی ﷺ سؤال می‌شود که آیا حیطان سبعة میراث پیامبر ﷺ برای فاطمه ﷺ بوده است حضرت فرمودند: نه بلکه این وقف بوده و پیامبر از آن برای مهمان و امور لازم صرف می‌کرد. پس از رحلت پیامبر، عباس ادعای ارث آن را کرد ولی علی ﷺ و دیگران شهادت دادند که این باغ‌ها بر فاطمه ﷺ وقف شده است. نام این باغ‌ها الدلال، العواف، الحسنی، الصافیة، مشربة ام ابراهیم، المیثب؛ البرقه است (همان: ص ۴۷ و ۴۸).

حضرت صدیقه نیز در هنگام رحلت به امیرمؤمنان ﷺ درباره باغ‌های هفتگانه وصیت کرد تا حضرت براساس موردهای مصرف آن عمل کند. این نشان می‌دهد تا پیش از رحلت

در اختیار حضرت صدیقه بوده است (همان: ص ۴۸ و ۴۹). در روایت‌های دیگری آمده که حضرت از اموال خود ۸۰ اوقیه از محصول‌های هر سال بعد از هزینه آبیاری و زراعت، و تمام محصول باغ سال وفات، و محصول گندم سال پس از وفات را انفاق کرد، و ۴۵ اوقیه برای همسران پیامبر و ۵۰ اوقیه برای فقیران بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب اختصاص داد، و درباره درخواست علی علیه السلام که مسؤولیت اموال را به وی بسپرد تا با اموال پیامبر صلی الله علیه و آله جمع شود و تا زمان حیات علی، وی مسؤولیت اموال را بر عهده داشته باشد؛ حضرت فاطمه علیها السلام آن را می‌پذیرد مشروط به این که علی علیه السلام موردهای پیش‌گفته را انجام دهد و درباره مابقی اموال، علی مختار است که هر گونه صلاح می‌داند عمل کند و پس از وی مسؤولیت اموال به حسن و حسین می‌رسد (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۰۳، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

دو مورد ذکر شده دلالت دارد که شاخص‌ترین زنان مسلمان در بُعد جهاد و معنویت، از جهت کار و کوشش و مدیریت اقتصادی نیز توانایی فراوانی داشتند و انجام آن را منافی با وظیفه‌های اجتماعی و دینی خود نمی‌دانستند. غنیف‌ترین زنان اسلام در کنار همسران بی‌نظیر خود اداره اموال خود را به عهده می‌گرفتند و این مسؤولیت را پس از رحلت به همسران خود منتقل کردند.

آنچه خدیجه کبری و فاطمه زهرا علیهما السلام به عهده داشتند مدیریت اقتصادی و اداره بنگاه تجاری و کشاورزی بوده که این مشاغل به‌طور معمول ویژه مردان بوده است. هر دو بانوی مکرم اسلام در زمان تأهل و در خانه همسر خود به مشاغل اقتصادی می‌پرداختند. البته کار آنان به صورت اجیر یا کارمند یک بنگاه دیگر نبود بلکه به صورت کارفرما و مستقل عمل می‌کردند. کار آنان در بخش غیردولتی بوده و تعدادی از افراد را برای کار استخدام می‌کردند، و نیاز به حضور دایمی در محیط کار برای نظارت نبود؛ بلکه با گماردن افراد مورد اعتماد در جایگاه وکیل و نظارت بر کار آنان از اموال و دارایی بهره‌برداری می‌کردند.

این را باید مدنظر قرار داد که آنان کارهای خانه را نیز انجام می‌دادند، البته همسران آنان نیز کمک می‌کردند، و تمام کارهای خانه بر عهده بانوان نبوده است. متأسفانه از کیفیت زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام روایت‌های خاصی نیامده ولی در روایت‌ها آمده که کارهای خانه میان حضرت فاطمه و امیرمؤمنان علیهما السلام تقسیم شده بود، به این معنا که به غیر از کسب درآمد (که بر عهده مرد است) کارهای مربوط به خانه بین آن‌ها تقسیم شده بود.

چند روایت را در این زمینه نقل می‌کنیم.

در روایتی آمده که کارهای خانه بین فاطمه زهرا و فاطمه بنت اسد رضی الله عنهما تقسیم شده بود. چون مادر امیرمؤمنان با آنان زندگی می‌کرد کارهای خارج از خانه به عهده فاطمه بنت اسد و کارهای داخل خانه به عهده فاطمه زهرا رضی الله عنهما بوده است. این کارها غیر از کاری است که مرد برای کسب درآمد انجام می‌داده است. پس از رحلت فاطمه بنت اسد کارهای وی را امیرمؤمنان رضی الله عنه به عهده می‌گیرد. شاید کارهای خارج از خانه را وقتی امیرمؤمنان رضی الله عنه در مدینه نبوده یا در اطراف و باغ‌ها کار می‌کرده، مادرش انجام می‌داده است. بنابراین امیرمؤمنان رضی الله عنه افزون بر کاری که با آن امرار معاش می‌کرد بخشی از کارهای خانه را انجام می‌داده است، و فاطمه بنت اسد با این که زن است کارهای بیرون را متکفل می‌شود.

روایت‌ها عبارتند از:

۱. امام صادق رضی الله عنه فرمود: کان امیرالمؤمنین رضی الله عنه یحطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمه رضی الله عنها تطحن و تعجن و تخبز (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۸۶).
- امیرمؤمنان هیزم می‌آورد، آب فراهم می‌کرد و جارو می‌کرد و فاطمه رضی الله عنها آرد می‌کرد، خمیر تهیه می‌کرد و نان می‌پخت.
۲. امام صادق رضی الله عنه فرمود: کان علی رضی الله عنه یستقی و یحطب و کانت فاطمه رضی الله عنها تطحن و تعجن و تخبز و ترقع (همان: ج ۸، ص ۱۶۵).
- علی رضی الله عنه آب می‌آورد و هیزم تهیه می‌کرد فاطمه رضی الله عنها آرد می‌کرد و خمیر آماده می‌ساخت و نان می‌پخت و لباس را وصله می‌زد.
۳. امام باقر رضی الله عنه فرمود: ان فاطمه رضی الله عنها ضمنت لعلی رضی الله عنه عمل البيت و العجین و الخبز و قم البيت و ضمن لها علی رضی الله عنه ماکان خلف الباب من نقل الحطب و أن یجئ بالطعام (عیاشی، بی تا: ج ۱، ص ۱۷۱).
- فاطمه رضی الله عنها برای علی کار در خانه، خمیر کردن، پختن نان، جارو کردن خانه را به عهده گرفت و علی رضی الله عنه برای فاطمه کار خارج از خانه از آوردن هیزم و غذا را بر عهده گرفت.
۴. در کتاب انساب الاشراف از علی رضی الله عنه نقل شده که به مادرش فاطمه بنت اسد فرمود: اکفی فاطمه رضی الله عنها بنت رسول الله ما کان خارجاً من السقی و غیره تکفیک ما کان داخلأ من العجن و الطحن و غیر ذلك (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ج ۲، ص ۳۷).
- کارهای خارج از خانه مثل آوردن آب و مانند آن را برای فاطمه انجام دهید وی نیز کارهای داخل خانه مثل آرد کردن، خمیر کردن، و مانند آن را به عهده می‌گیرد.

طبق برخی روایت‌ها در صدر اسلام زنان دیگری بودند که شاغل بودند مثل زن عطف‌فروش به نام حواء یا خوله که پیامبر به وی درباره نحوه کسب و کار سفارش کرد (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۱۵۱). و مثل اسماء ام‌زعله مشیری و آمنه بنت عثمان آرایشگری، و سلمی دختر ابورافع و سوده دختر مسرح که قابله بودند، ولی شغل آنان ویژه زنان بوده است و طبیعی است که امور مربوط به آرایش زنان و مانند آن بر عهده زنان باشد. کعبیه دختر سعد اسلمی و رفیده انصاری به پرستاری مجروحان و زینب دختر جحش اسدی و همسر عبدالله بن مسعود به صنایع دستی و قبیله انصاری به تجارت اشتغال داشتند، و شفاء دختر عبدالله بن شمس به زنان خواندن و نوشتن یاد می‌داد. زنان در ۱۶ نوع شغل حضور داشتند (آئینه‌وند، ۱۳۸۴: ص ۱۹ و ۲۰).

اشتغال زنان از دید فقهی

کسب درآمد در شرع اسلام و انجام فعالیت اقتصادی برای تأمین معاش از عبادت‌های بزرگ است. روایت‌های متعددی که همه را به کار اقتصادی فراخوانده به مردان اختصاص ندارد. گرچه در آن دوران زنان به‌طور عمده در محیط خانه کار می‌کردند و فقط برخی کارهای تولیدی جزئی را در محیط خانواده به عهده داشتند، ولی این امر قید روایت‌ها نیست و نهی از کار زنان به صورت خاص نیامده است. کار زنان فقط باید در چارچوب شرع باشد. گرچه مخاطب روایت‌های متعددی که فعالیت اقتصادی برای تأمین معاش خود و خانواده را از عبادت‌های بزرگ می‌داند، مردان هستند (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۷۷ - ۹۵). اما روایت‌ها به آن موردها اختصاص ندارد و کار فقط برای تأمین معاش نیست.

اصولاً بیکاری اختیاری از نظر اسلام امری منفور است. اگر زنی در خانه کاری نداشته باشد یا فرزندی ندارد تا برای تربیت بچه بکوشد مثل دختران مجرد که هنوز مسؤولیت دوران تأهل را بر عهده ندارند و در خروج از منزل هم محتاج اذن همسر نبوده یا اگر همسر دارد همسرش اجازه خروج از منزل را می‌دهد و کاری که انجام می‌دهد باعث ناراحتی پدر و مادرش نمی‌شود مناسب است کار اقتصادی انجام دهد و درآمد هم کسب کند و جایگاه اجتماعی خود را بالا ببرد.

انجام کار، انگیزه‌های گوناگونی دارد. گاه برای تأمین درآمد است و گاه برای کسب تجربه و دانش، و گاه برای رفع نیاز جامعه واجب است. امروز بر زنان لازم است که دست کم در برخی رشته‌ها آموزش‌های مناسب ببینند و نیاز عمومی را برطرف سازند. به ویژه بخش‌های بهداشتی، درمانی، آموزشی و ورزشی (ویژه بانوان) نیاز دارند که بانوان متخصص آن را به عهده گیرند. پزشکان، معلمان، استادان و مربیان مرد اگر در وضعیت اضطراری بتوانند این نیاز را برطرف سازند اما جامعه باید برای وضعیت عادی به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که این مشاغل به وسیله بانوان اشغال شود.*

بنابراین آنچه در روایت‌ها آمده، این است که انگیزه‌های کار متعدد است. کسب درآمد، عزت، شخصیت‌یافتن، رشد عقلانی، کسب آرامش روحی، سلامت جسم و نشاط روحی، تأمین نیازهای اجتماعی، رفع فقر و تأمین اجتماعی نیازمندان، گسترش اخلاق اجتماعی، کاهش مفاسد، افزایش توان اقتصادی جامعه، جذب مغفرت الهی، ثواب و محبت الهی و کمک به دینداری فرد است. (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۳: ص ۳۵ - ۵۰). آنچه اهمیت دارد این است که کار در چارچوب شریعت و حلال باشد تا نتیجه‌های پیش‌گفته بر آن مترتب شود. امروز کارهای متعددی در درون خانه صورت می‌گیرد و می‌توان ضمن انجام کارهای خانه و تربیت فرزندان، کار اقتصادی نیز انجام شود. کار در فضاهای مجازی و انجام کارهای الکترونیکی و برخی کارهای تولیدی که در خانه صورت می‌گیرد هیچ مشکلی برای بانوان ندارد، ولی کار در خارج از خانه حالت‌های متعددی دارد که اهم آن را متذکر می‌شویم.

۱. اگر انجام کار با خروج از منزل همراه است خروج زن متأهل از منزل چنان‌که با حقوق همسرش منافات داشته باشد به‌طور مسلم جایز نیست و اگر تنافی نداشته باشد گرچه طبق فتوای برخی از فقیهان خروج از منزل جایز است، ولی نظر مرحوم امام* و فقیهان متعدد مبتنی بر اجازه همسر وی است. به‌طور مثال، درباره پزشکان زن می‌گوید:

کارکردن زن در بیرون منزل اگر منافای با حقوق زناشویی شوهر نباشد با حفظ حجاب

* این نکته نیز باید مدنظر قرار گیرد که مراد از مفوربودن بیکاری اختیاری در روایت‌ها این نیست که فرد باید کار اقتصادی داشته باشد بلکه اگر از نظر مالی تأمین باشد ممکن است بدون کسب درآمد به امور علمی، فرهنگی و ... بپردازد. این امرها نیز مطلوب دین است و چنین فردی بیکار تلقی نمی‌شود گرچه از دید اقتصادی وی را جزو شاغلان به حساب نیاورند. معنای شاغل‌بودن در فقه و اقتصاد متفاوت است.

اشکال ندارد ولی خروج زن از منزل برای غیرواجبات به اجازه شوهر منوط است و در موردی که معالجه بیمار در بیرون بر پزشک زن واجب شود شوهرش حق ممانعت را ندارد (موسوی خمینی، بی تا: ج ۳، ص ۳۴۸).

۲. اگر زن هنگام عقد شرط کند که اجازه کارکردن به وی داده شود یا پیش از ازدواج شاغل بوده و همسرش هم می دانسته و ازدواج بر این اساس شکل گرفته شوهر حق ندارد وی را از کارکردن باز دارد. در این باره امام می نویسد:
با فرض این که عقد مبنی بر اشتغال زوجه واقع شده شوهر حق منع وی را از آن اشتغال ندارد (همان: ص ۳۵۸).

در جای دیگر می نویسد:

اگر در ضمن عقد شرط اشتغال برای زن شد، یا عقد مبنی بر این شرط واقع شده، زن می تواند به شغل خود ادامه دهد و شوهر نمی تواند مانع شود (همان: ص ۳۵۶).

در حقیقت همسر با آگاهی از برخی از حقوق خود صرف نظر می کند.

۳. وظیفه همسری زن، شامل کارهای خانه مثل خوراک پزی، خیاطی، جارو کردن، آب آوردن و ... نیست و فقط شامل تمکین و بهداشت ظاهری است (همان: ج ۲، ص ۳۰۵)
و زن می تواند در ازای کارهای خانه از شوهر درخواست اجرت کند. البته در وضعیتی که زن هنگام ازدواج انجام کارهای پیش گفته را بپذیرد و براساس آن ازدواج شکل گیرد انجام امور پیش گفته بر زن لازم می شود.

۴. دخترهای که همسر ندارند و در خانه پدر و مادر زندگی می کنند، اگر به سن رشد رسیده باشند گرچه خروج از منزل برای آنان بی اجازه پدر و مادر شرعاً اشکال ندارد، ولی نباید کاری کنند که باعث نگرانی آنان شود. امام خمینی علیه السلام در جواب پرسشی می نویسد:
زن بدون اجازه شوهر نباید از منزل خارج شود و اجازه پدر و مادر شرط نیست ولی از کاری که باعث اذیت آنان باشد باید بپرهیزد (همان: ج ۳، ص ۳۵۵).

۵. علم آموزی و بهره مندی از دانش روز در جامعه اسلامی که مراکز علمی آموزشی امن

و پاک هست به چند جهت لازم است:

أ. علم آموختن باعث رشد فکری و روحی افراد می شود. مراکز علمی متعددی در جامعه باید باشد تا افراد آموزش ببینند. آگاهی از تکوین و تشریح برای همه مفید است و برای درک بهتر دین و عظمت الاهی کارساز است. تقویت ایمان و درک بهتر و کامل تر از حقایق

جهان، نیاز به برخورداری از علم دارد. هر نوع آموزشی که به رشد فکری و دینی فرد کمک کند مطلوب است.

ب. آینده هر زن معلوم نیست. اگر زنان در دوره پیش از ازدواج آموزش‌های لازم را نینند چون معلوم نیست در آینده آیا ازدواج خواهند کرد یا نه و آیا پس از ازدواج وضعیت آنان دوام خواهد داشت یا به طلاق و جدایی کشیده می‌شود و آیا همسرش در قید حیات خواهد بود و می‌تواند معاش خود و خانواده را تأمین کند یا زن باید سرپرستی خانواده را به عهده گیرد. از این‌رو یادگیری شغلی که دست‌کم در صورت نیاز بتواند خرج خود را تأمین کند برای همه حتی زنان لازم است.

ج. امروزه وقت‌های فراغت بیشتری برای افراد وجود دارد. اگر در قدیم برای امرار معاش باید ۱۶ ساعت کار می‌کردند، امروزه ساعت کار به ۸ و کمتر از آن رسیده و بی‌شک سال‌های آینده تغییرهای در این امر رخ می‌دهد. وجود ساعت‌های فراغت، فرصت مناسب برای کسب علم و ارتقای دانش را فراهم می‌کند. علم‌آموزی که به آن تأکید بسیار می‌شود فقط در حد امور عمومی نیست، بلکه یادگیری بحث‌های تخصصی و عمیق در علوم گوناگون اعم از اجتماعی، سیاسی، دینی، هنری و غیر آن نیازمند سپری کردن دوره‌های علمی خاص است. بنابراین با توجه به لزوم کسب علم و یادگیری دوره‌های تخصصی هم لازم است بانوان برای تعلیم دیگر بانوان تربیت شوند و هم به علت هزینه‌بر بودن آموزش زنان باید درآمد کافی داشته باشند، و چه بسا درآمد شوهر که شرعاً تأمین هزینه زندگی همسرش را به عهده دارد برای این کارها کافی نباشد یا آن‌که بر شوهر واجب نباشد چنین هزینه‌هایی را به عهده گیرد، زیرا این هزینه‌ها بیش از حد معمول است. بنابراین زنان باید درآمدی داشته باشند تا بتوانند دوره‌های علمی را طی کنند.

۶. کارهای مستحب و مطلوب شرعی متعددی هست که برای کسی که درآمد کافی دارد امکان انجام آن وجود دارد. در اسلام به وقف، غذا دادن به فقیران و مساکین، قرض، کمک به حل مشکل‌های اجتماعی، صلّه رحم و زیارت اماکن مقدس تأکید شده است. ثواب‌های بسیاری برای آن گفته شده و همه افراد تمایل دارند به این ثواب‌ها دست یابند. زنان در صورتی می‌توانند وقف کنند که درآمد کافی داشته باشند و ثروت جمع‌شده را تبدیل به موقوفه کنند تا از آن بهره‌برداری شود. بدون کار و کسب درآمد، وقف کردن برای

زنان امری خیالی است مگر آن‌که از پدر خیری به وی برسد یا شوهر به وی تملیک کند تا امکان وقف پدید آید. بنابراین کسب درآمد مقدمه انجام امور خیریه است.

اشتغال زن و وظیفه‌های دولت اسلامی

دولت اسلامی وظیفه دارد که زمینه رشد و بقای جامعه را فراهم کند. کمک به بیکاران که درآمد برای زندگی ندارند و کار مناسب پیدا نمی‌کنند وظیفه دولت است. تأمین سرمایه لازم برای فعالیت اقتصادی از جمله انواع کمک است. هزینه زنان پس از رشد بر عهده آنان است مگر آن‌که ازدواج کنند. تحکیم نهاد خانواده نیز بر عهده دولت است. بنابراین باید زمینه تشکیل خانواده فراهم شود. اشتغال مردان کمک مناسبی به این امر خواهد داشت و باید در این جهت اولویت داشته باشند، ولی از طرف دیگر، نمی‌توان به اشتغال بانوان بی‌توجهی کرد زیرا گاه دخترها یگانه یاوران سرپرست خانواده هستند و گاه خود سرپرست خانواده شده‌اند و نمی‌توانند منتظر ازدواج بمانند یا به هر ازدواجی راضی شوند. بنابراین دولت بر حسب امکانات، باید همه کسانی که نیاز به کار دارند را یاری رسانند. در ضمن گرچه هزینه زندگی در خانواده بر عهده مرد است، اما فرهنگ عمومی و دینی ما چنین بوده که بانوان با اختیار خود از درآمد و ثروت برای بالابردن رفاه خانواده استفاده می‌کردند و به‌طور عملی بخشی از هزینه‌های زندگی بر عهده بانوان شاغل قرار می‌گرفته است. بنابراین شغل بانوان مانع ازدواج آنان نمی‌شود، گرچه سلیقه‌های آنان را تغییر می‌دهد و شأن اجتماعی خود را بالاتر می‌بینند.

نکته دیگر در وظیفه‌های دولت اسلامی این است که باید زمینه انجام کارهای ویژه بانوان به‌وسیله خودشان فراهم شود. اختصاص سهمیه‌های مناسب به بانوان در امور آموزشی، درمانی، بهداشتی، تربیتی و ورزشی چه در تحصیل و چه در کار بر دولت لازم است. در ضمن استعدادیابی آنان و بهره‌گیری از توان اصلی آنان در اشتغال، مدیریت و غیر آن به نوعی جلوگیری از هدررفتن سرمایه‌های کشور است.

امکانات دولت اسلامی برای عموم مسلمانان است، و در این جهت فرقی بین زن و مرد نیست. مهم آن است که مصلحت عمومی اقتضای صرف آن هزینه را بکند. زنان به‌علت وضعیت خاص خود برای بارداری باید از بدن سالم برخوردار باشند و مریضی بانوان نسل

آینده را نابود می‌کند. بنابراین محیط‌های ورزشی مناسبی باید برای آنان اختصاص یابد و در این محیط‌ها از مربیان بانو بهره‌گیری شود تا سلامت بانوان به‌علت کاهش فعالیت بدنی در شهرها، به خطر نیفتد.

زنان همانند مردان باید در صحنه اجتماع حضور یابند و در امور سیاسی مشارکت داشته باشند، همان‌طور که زنان با پیامبر بیعت می‌کردند و اطاعت و پیروی را قبول می‌کردند و در انتخاب خلیفه هم نظر می‌دادند، امروز نیز زنان باید در رأی‌گیری شرکت کنند. حضور آنان نیازمند درک، فهم و رشد فکری است و اگر قرار باشد زنان در فداکاری، زینب‌وار عمل کنند و پرچم دین را به دوش بکشند باید زمینه فعالیت فرهنگی را برای آنان فراهم کرد. باید آنان از مسایل سیاسی آگاه باشند و وقت مناسبی برای این کارها صرف کنند و کسانی باشند که این آگاهی‌ها را به آنان منتقل کنند و شکی نیست جامعه زنان در میان خود می‌توانند چنین کنند.

در هنگام اختلاف‌ها، وکیل‌ها از حقوق طرفین دفاع می‌کنند و وجود وکیلان زن می‌تواند دفاع از حقوق آنان را تسهیل کند.

اصل سوم قانون اساسی، وظیفه‌های را برای دولت مطرح کرده مثل پدیدآوردن محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، با استفاده از مطبوعات در رسانه‌های گروهی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، تامین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و پدیدآوردن امنیت قضایی برای همه و مانند آن. برای انجام این امرها لازم است که بانوان در عرصه‌های متعدد شاغل باشند. استفاده از ابزار فیلم، روزنامه، خبر و ... نیازمند حضور بانوان در امور هنری است. نمی‌توان برای آگاهی مردم در مورد رفتار خانواده فیلمی ساخته شود که هیچ زنی در آن حضور نداشته باشد یا فقط مطالب به‌صورت سخنرانی ارائه شود.

اشتغال زن و بقای خانواده

نهاد خانواده، اصیل‌ترین و طبیعی‌ترین نهاد بشری است و بر حفظ و بقای آن، دین مبین تأکید بسیار کرده است. خانواده با مودت و رحمت شکل می‌گیرد (روم (۳۰)، ۲۱) و محیط انس و آرامش را برای زوجین فراهم می‌شود. زایش فرزند و تربیتش وظیفه‌های را برای

زوجین پدید می‌آورد. تأمین غذا و محیط آرام در دوران شیرخوارگی و طفولیت فرزند، اثر عمیق و طولانی بر جسم و روان وی می‌گذارد. دورهٔ بارداری مدت طولانی از سال را پر می‌کند و وضعیت جدیدی برای زن پدید می‌آورد. خداوند متعال در طبیعت وظیفه بارداری، تولد و شیردهی را در وجود زن قرار داده و این وظیفه‌ای انسانی، اخلاقی و دینی است. در دورهٔ شیرخوارگی که خداوند متعال آن را در قرآن دو سال تعیین کرده، زن باید به فرزند شیر دهد و مرد باید غذا، لباس و نیازهای اساسی را بر طبق متعارف فراهم کند. به‌گونه‌ای که زن و مرد هر دو در حفظ و تأمین کامل فرزند دچار آسیب نشوند (بقره ۲). (۲۳۳). خانواده باید بتواند همان‌طور که نسل پیشین دوران کودکی را به سلامت گذرانده نسل آینده را تربیت کند و وظیفه انسانی خود را انجام دهد. هر یک از زوجین در تشکیل خانه و بقای آن وظیفه‌های را به عهده خواهند داشت. خانواده برای بقا، محتاج کالاهای مصرفی، وقت فراغت، علم و معنویت است. کالاهای مصرفی خانواده‌گاه در درون خانه تولید می‌شود و گاه از بیرون تأمین می‌شود و گاه با ترکیب کالاهای تولیدشده در خارج و کار خانگی، کالای مصرفی تولید می‌شود. برای تهیه مواد اولیه کالایی که در خانه تولید می‌شود یا کالای نیمه‌ساخته بیرونی نیاز به درآمد است که باید بخشی از وقت فرد به‌کار اقتصادی اختصاص یابد و از قبل آن درآمد مناسب به‌دست آید. این وظیفه در اسلام بر عهده مرد خانه گذاشته شده و باید وسایل مورد نیاز افراد خانه را فراهم کند. کاری که در خانه می‌شود و کالای خانگی را تولید می‌کند، یک کار اقتصادی ویژه و با ارزشی است و بدون آن نیازهای خانه تأمین نمی‌شود. اگر افراد خانواده بخواهند فقط در حد واجبات نیازهای همدیگر را تأمین کنند و به حداقل‌ها بسنده کنند بی‌شک آسایش در درون خانه به کمترین حد ممکن می‌رسد. یعنی هر دو طرف محدودیت‌های متعددی پیدا می‌کنند. زن گرچه می‌تواند در خانه کار نکند ولی مرد برای تهیه و آماده‌کردن خانه یا باید از وقت کار خود بکاهد (درآمدش کاهش یابد) یا چنین خدماتی را از بیرون خانه تهیه کند و به‌طور عملی ثروت و پس‌انداز احتمالی خود را از دست دهند. اگر بنا است وضعیت خانه روز به روز بهتر شود مناسب است طرفین در بهبود و تکمیل نواقص امور خانه تشریک مساعی داشته باشند. تقسیم کار مربوط به کارهای خانه با هماهنگی و صحبت می‌تواند مشکل را رفع کند. امری که در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام به دست پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد.

نکته مهم دیگر این است که سال‌های اولیه، رشد کودک مراقبت دائمی می‌خواهد و به تدریج که فرزند بزرگ می‌شود نوع مراقبت و ساعت‌های صرف‌شده برای آن تغییر می‌کند. در وضعیتی که خانواده بزرگ شکل می‌گیرد و افراد خانواده کوچک همراه با پدر بزرگ، مادر بزرگ، دایی، عمو، خاله و ... زندگی می‌کنند گذراندن وقت‌های فراغت و بازی بچه در محیط خانه بزرگ، ساعت‌های فراغتی را برای زن فراهم می‌کند تا بتواند به کارهای مورد علاقه خودش، مطالعه کار هنری، کسب علم یا کار اقتصادی بپردازد و اگر خانواده به صورت جدا زندگی می‌کند استفاده از مهد کودک یا دبستان تا حدی ساعت‌های آزاد برای زن فراهم می‌کند. تعداد فرزند در این امر بسیار مؤثر است. به طور معمول مردان برای تأمین درآمد گاه هشت ساعت و گاه بیشتر از آن در خارج از خانه هستند. بر حسب نوع کار و سطح درآمد ممکن است مجبور به اضافه کاری یا داشتن دو نوع شغل شوند. در اکثر موردها، مردان وقت آزاد کمتری دارند. بنابراین بخش مهم وقت بانوان به اداره خانه خواهد گذاشت. در این وضعیت اگر بانوان علاقه به کار اقتصادی داشته باشند یا باید به کارهای اقتصادی که درون خانه انجام می‌شود یا کارهای نیمه وقت بپردازند و گرنه باید برای مراقبت از فرزندان و اداره منزل با همسر هماهنگی صورت گیرد. هر امری که به نهاد خانواده ضربه بزند باید از آن جلوگیری کرد. همان‌طور که در بحث‌های پیشین گذشت، کار در خانه نباید مانع کسب علم در شأن زنان شود. از آنجایی که وضعیت هر خانواده متفاوت از دیگری است، نحوه تقسیم کار در خانه و ساعت‌های حضور برای کار در خارج از خانه از مدل خاصی پیروی نمی‌کند. وضعیت همسر، نوع کار، مقدار درآمد، تعداد و سن فرزندان و سطح تحصیلات زنان از جمله عامل‌های مؤثر است. از دید دینی، حفظ خانواده یک اصل اصیل است و رابطه‌ها در چارچوب بحث‌های فقهی با لحاظ امور اخلاقی باید برقرار باشد. خانه زمینه رشد طرفین را باید مهیا کند و مجموعه افراد در جایگاه یک واحد اجتماعی وظیفه‌های خود را انجام دهند و وظیفه‌ها با لحاظ وضعیت روحی و جسمی هر یک تعیین شود. جابجایی وظیفه‌ها و تحمیل وضعیت نامناسب به هر یک باعث خدشه وارد شدن به آرامش خانواده و گاه به شکست خانواده و جدایی می‌انجامد. بنابراین اشتغال زن باید در چارچوب محافظت از خانواده معنا شود.

نتیجه گیری

اصل های حاکم بر اشتغال زنان را به صورت نتیجه گیری مطرح می کنیم.

۱. اشتغال زنان همچون مردان باید در جهت شخصیت انسانی اش باشد و زمینه رشدش را فراهم کند. به هیچ وجه دیدگاه ابزاری به شخصیت وی روا داشته نشود و از خدمت در جهت اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شود؛

۲. اشتغال زنان نباید مانع وظیفه اصلی تکوینی که بر عهده وی است باشد. مادری، وظیفه ای است که خداوند متعال در طبیعت بر دوش زنان نهاده است. این امر و مقدمه های آن (تشکیل خانواده و پدید آوردن محیطی مناسب) باید پاس داشته شود و مانع های آن برطرف شود؛

۳. کار زنان باید در محیط هایی انجام شود که ضمن احترام به شخصیت فرد با حقوق همسرش تنافی نداشته باشد. وضعیت زمانی و مکانی کار باید به صورتی باشد که حضور وی را در خانه تحت الشعاع قرار ندهد و به درگیری درون خانه نینجامد. جلوگیری از حضور در محیط های مختلط در حد امکان و کار در مکان های نزدیک و در روز می تواند به این امر کمک کند؛

۴. کارهایی که به زنان اختصاص دارد باید به وسیله آنان انجام شود و امکانات دولت برای این امر بسیج شود؛

۵. درآمد زنان متناسب با کار آنان است و از هرگونه تبعیضی باید جلوگیری شود. از طرفی چون جامعه به مادران نیاز دارد و باید به دوران شیرخوارگی بچه توجه شود، ارفاق های مناسب برای بانوان در ایام بارداری و شیرخوارگی کودکان برای جامعه مفید است؛

۶. از آن جا که زن معاف از پرداخت و تأمین هزینه خانواده است و این امر به عهده مرد است تصرف در اموال زن به وسیله همسر بدون اذن جایز نیست؛

۷. بنابه این که تأمین هزینه فرزند (دختر و پسر) بر عهده پدر نیست، (مگر آن که درآمد نداشته باشند) دختری که می تواند کار کند و درآمد کافی دارد، تأمین هزینه اش بر عهده خودش است و می تواند برای کار از منزل خارج شود، ولی نباید این امر باعث ناراحتی پدر و مادر شود.

۸. خارج شدن زن از منزل در صورت تنافی با حقوق همسر جایز نیست و در صورت

عدم تنافی رأی مشهور فقیهان بر عدم جواز است، مگر آن‌که شوهر اذن بدهد یا در ابتدای ازدواج پذیرفته باشد که همسرش می‌تواند در خارج از خانه کار داشته باشد؛

۹. تناسب تربیت فرزند با روحیه‌های بانوان به‌ویژه در سنین اولیه فرزند و اثر منفی رهاکردن بچه در سنین اولیه و سپردنش به محیط‌های عمومی، اقتضا دارد که زن و مرد با هماهنگی وضعیتی را پدیدآورند که تربیت فرزند دست‌آویز اختلاف یا کار زن نشود.

نکته‌های پایانی (پیشنهادها)

۱. گسترش کارهای پاره‌وقت و نیمه‌وقت و کارهایی که امکان انجام آن در فضای درون خانه هست باعث می‌شود زنان افزون بر انجام کارهای درون خانه، کار اقتصادی نیز داشته باشند؛

۲. دولت اسلامی باید وضعیت اجتماعی را به‌گونه‌ای مهیا سازد که اشتغال زنان در جهت حمایت و تحکیم خانواده باشد؛

۳. چون آموزش و بالابردن آگاهی‌های علمی، دینی و اجتماعی زنان لازم است باید زمینه رشد معنوی و تربیتی آنان در جامعه صورت گیرد و این امر نیازمند تربیت بانوان برای تعلیم دیگران و کسب درآمد برای صرف آن جهت آموزش است؛

۴. زنان در صورتی می‌توانند امور خیریه مالی انجام دهند که درآمد داشته باشند. درآمد پیش‌گفته از راه ارث کار یا هدیه همسر تأمین می‌شود؛

۵. نمی‌توان مدل خاصی را برای تمام بانوان در نظر گرفت. وضعیت محیطی و فرهنگی متفاوت با وضعیت گوناگون فرزندان و همسر و نوع کاری که زنان انجام می‌دهند، وضعیت درآمدی همسر، وضعیت تحصیلات زن و امرهای دیگر در کار کردن و ساعت‌های کار آنان دخیل است. آمار طلاق، تورم، سن ازدواج، هزینه خانوار، تعداد فرزندان و سن آنان می‌تواند بر میزان آن دخالت کند. می‌توان عرضه نیروی کار زنان را برحسب متغیرهای متعددی مثل نرخ طلاق، تورم، ازدواج، وضعیت تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی، سهم دولت در اقتصاد، نرخ بیکاری، رشد اقتصادی، درآمد سرانه، هزینه خانوار، بُعد خانوار، تعداد فرزندان کمتر از ۴ سال، درآمد خانواده، دستمزد کار زنان و مانند آن برآورد کرد.

منابع و مأخذ

أ. فارسی و عربی

۱. آیینہ‌وند، صادق، «زنان در نخستین سده‌های اسلامی»، پژوهش زنان، دوره ۳، ش ۳، پاییز ۱۳۸۴ش.
۲. افشاری، زهرا، «اشتغال زنان و رفاه خانواده: یک چارچوب تحلیلی»، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۰ش.
۳. امینی، علیرضا، «برآورد الگوی‌های تقاضای نیروی کار در اقتصاد ایران و پیش‌بینی آن طی سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۷۸»، مجله برنامه و بودجه، ش ۴۳ و ۴۴، ۱۳۷۸ش.
۴. ایروانی، محمدرضا، «زنان، نظام آموزش عالی کشور و اشتغال در ایران»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره دوم، ش دوم، تابستان ۱۳۸۴ش.
۵. بلاذری، ابوالحسن، فتوح البلدان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق.
۶. رضایی، مجید، کار و دین، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳ش.
۷. شیبانی، ابراهیم و افشاری، زهرا، «اثر رشد بخشی بر اشتغال زنان در ایران (با استفاده از روش داده - ستانده)»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ش.
۸. صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی، «تحلیلی بر عوامل اقتصادی موثر در اشتغال زنان ایران»، پژوهش زنان، دوره دوم، ش ۱، بهار ۱۳۸۳ش.
۹. طائی، حسن، «تابع عرضه نیروی کار: تحلیلی بر پایه داده‌های خرد»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، ش ۲۹، زمستان ۱۳۸۵ش.
۱۰. علمی، زهرا، «سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار زنان در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳ش.
۱۱. علویون، سیدمحمدرضا، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱ش.

۱۲. عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية، بی تا.
۱۳. فرجادی، غلام علی و فلیحی، نعمت، پروژه نیروی انسانی، آموزش و بازار کار، گزارش ششم، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۳۷۷ش.
۱۴. فرجی دانا، احمد و طائی، حسن، «الگوی تعیین همزمان عرضه نیروی کار و تقاضای کالا در اقتصاد ایران (نظریه جدید اقتصاد خانواده)»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۹ش.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۷. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، نجف، انتشارات آداب، بی تا.
۱۸. _____، استفتاءات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ش، ج ۳.
۱۹. میرزایی، حسین، «عوامل موثر بر مشارکت اقتصادی زنان ایران با استفاده از مدل رگرسیونی داده های پانلی»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، بهار ۱۳۸۳ش.
۲۰. نوروزی، لادن، تاثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار زنان، پیش بینی تحولات آن در آینده، طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست گذاری توسعه منابع انسانی کشور، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰ش.
۲۱. هادیان، ابراهیم و حیدرپو، علی، «توسعه اقتصادی، سهم زنان در نیروی کار (مورد ایران ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵)»، فصلنامه علمی - پژوهشی جمعیت، ش ۲۷ و ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸ش.

ب. انگلیسی

1. Cogan, John, f. *fixed costs and labor supply, econometrical*, vol 49, no 4, pp 945-963, 1981.
2. Smith, Nina. *A Panel study of labor supply and taxes in Denmark. Applied economics*, No 27, pp 419- 429, 1995.